

روابط بین ترکیه و عراق در هفته‌های اخیر بعد از سفر سه‌ماههٔ «نچرون بارزانی» نخست‌وزیر اقلیم کردستان عراق در ۲۷دسامبر به ترکیه و تفاهم جهت عقد قراردادهای نفت و گاز بین آنکارا و اربیل دچار تنش شده است. این دیدار که بعد از سفر هفت هفته قبل «مسعود بارزانی» رییس اقلیم کردستان به شهر «دیار بکر» به دعوت «رجب طیب‌اردوغان» نخست‌وزیر ترکیه انجام گرفت، نشان‌دهنده یک سیاست ماجراجویانه دیگر توسط اردوغان در منطقه است که این‌بار بر مبنای منافع اقتصادی و اهداف ژئوپلیتیک با استفاده از وضعیت بحرانی و گسست‌های ملی در کشورهای همسایه دنبال می‌شود. واکنش دولت مرکزی و «نوری المالکی» نخست‌وزیر عراق نقش نسبت به توافقات پشت‌پرده حول این‌ موضوع هر چند قیلا نیز به خاطر نفوذ حاکمیت ملی این کشور توسط آنکارا بارها گوشزد شده است و این بار نیز مقامات ترک از زبان «داووداوغلو» وزیر امورخارجه این کشور گفت‌اند «بدون موافقت دولت مرکزی بغداد هیچ اقدامی را انجام نمی‌دهند» اما تجربه چندسال اخیر نشان داده که در روابط بین آنسکارا- اربیل معمولا منافع ملی و حاکمیت ملی عراق جای چندانی نخواهد داشت. برای درک بهتر آنچه در روابط ترکیه با عراق و اقلیم کردستان می‌گذرد و تبعات اقتصادی- سیاسی این روابط در ابعاد داخلی و خارجی ابتدا باید یک شناخت نسبی از جایگاه کنونی این سه‌ضلع ماجرا داشت.

موقعیت ژئوپلیتیک ترکیه: میراث امپراتوری عثمانی بعد از فروپاشی آن و دوران اصلاحات تجدیدطلبانه و ناسیونالیستی «کمال اتاتورک» در ابتدای قرن بیستم، تجربه نسبتاً موفق‌ی بود که توانست این کشور را در مسیر مدرنیزاسیون قرار دهد؛ کشوری که یک‌سَر آن در نهاده‌نشدن احزاب سیاسی بود و سر دیگر آن در دست قدرتمند نظامیان که هر وقت دولت سیاسی وقت را نمی‌خواستند، به‌راحتی آن‌خودبن را یک کودتای نظامی ورق را برمی‌گرداندند. این وضعیت در دوران ریاست‌جمهوری اتورکوت «اوزال» تا حدودی دگرگون و با اصلاحات سیاسی- اقتصادی وی نقش نظامیان در قدرت سیاسی کمرنگ شد و این درست هم‌زمان با ظهور اسلامگرایی سیاسی در منطقه بود که راه را برای احزاب اسلامگرا در ترکیه نیز باز کرد. از ۱۳سال پیش که حزب اسلامگرای «عدالت و توسعه» توانست قدرت سیاسی را در آنکارا به دست گیرد، تا به امروز گامه‌های بزرگ در تقویت نظام سکولارهای چپ کاسته شده و دامنه دخالت اسلامگرایان حاکم حتی به حوزه فرهنگی-اجتماعی به‌خصوص در روابط خصوصی هم رسیده است.دولت «رجب‌طیب اردوغان» نخست‌وزیر ترکیه در سایه تحولات منطقه بعد از جنگ اول خلیج‌فارس به مکنی امن برای سرمایه‌گذاری و پل ترازیت صادرات-واردات به منطقه عربی و ایران تبدیل شد. این وضعیت یک شکوفایی اقتصادی را برای ترکیه و حاکمان اسلامگرایی آن به ارمغان آورد که موجب تقویت تمایلات دخالت‌جویانه دولت اردوغان در امور داخلی کشورهای همسایه نیز شد. از طرف دیگر اردوغان که در داخل با مخالفت روزافزون سکولارها، چپ‌ها و اقلیت بزرگ کرد همراه بود، برای تثبیت موقعیت خویش دست به بازی‌های ماجراجویانه خطر را برای آنکارا به صدا درآورد. از سوی دیگر تعمیم اعتراضات مخالفان حامی علیه سیاست‌های واپس‌گرایانه اردوغان که با جنبش اعتراضی «گزّی پارک» نمود بزرگی پیدا کرد، اردوغان را در کنار بازی اسد جهت واگذاری قدرت در شمال کشور به کردها و حزب دموکراتیک کردستان- که مدت‌سنّی (پ‌ک‌ک) بود- در حالت آجیز قرار داد. به همین دلیل اردوغان هم‌زمان سیاست صلح با کردها را در پیش گرفت و بعد از اینکه با قدرت کمرایزای «عبدالله اوجلان» در بین کردهای ترکیه رویه‌رو شد، با نزدیکی به «مسعود بارزانی» سعی در تفرقه‌افکنی و تقلیل جایگاه

پشت‌پرده روابط ترکیه و اقلیم کردستان

اردشیر زارعی‌قنواتی



آلترناتیو کردی «پ‌ک‌ک» کرد، برای این کار لازم بود تا با نزدیکی به اقلیم کردستان عراق و وابسته‌کردن بیشتر آن به جغرافیای آنسکارا- اربیل معمولا منافع ملی و حاکمیت ملی عراق تحت کنترل درآورد و همچنین یک متحد بیرونی قابل‌اعتماد را در مقابل یک رقیب داخلی قرار دهد.
موقعیت ژئوپلیتیک عراق و اقلیم کردستان:بازماندگان تمدن بین‌النهرین دهها است که سایه جنگ را بر سر خود می‌بینند و به‌خصوص بعد از سرنگونی «صدام‌حسین» دیکتاتور یعنی این کشور و شروع منازعات داخلی و جنگ‌های فرقه به طور مداوم در یک بی‌ثباتی مزمن قرار داشته‌اند. این وضعیت در وهله اول جدا از ویرانی عراق بیشترین صدمه را به اقتدار دولت مرکزی در بغداد زد و در چنین وضعیتی بهترین فرصت برای منطقه کردی در شمال و شمال‌شرقی این کشور ایجاد شد تا به خودگردانی و سپس سیستم فدرال دست یابند. تا به امروز تنها نقطه امن و پایتیب عراق همین اقلیم کردستان است و این فرصت خوبی را در اختیار رهبران محلی برای توسعه و گسترش روابط خود در حوزه داخلی و خارجی قرار می‌دهد. تداوم و گسترش منازعات فرقه به‌خصوص بین اعراب شیعه و اعراب سنی طی دوسال اخیر در عراق که بار دیگر درگوردهای سال ۲۰۰۸-۲۰۰۷ را تداعی می‌کند هم اینکه موجب تضعیف دولت مرکزی در بغداد شده و هم اینکه اقلیم کردستان را در وضعیت بهتری جهت ایفای نقش مستقل قرار داده است. نقش احزاب سنتی دموکرات و اتحادیه میهنی کردستان عراق طی سال‌های اخیر تا حدودی کمرنگ شده و به‌خصوص بعد از بیماری «جلال طالبانی» رییس‌جمهوری عراق و هبر اتحادیه میهنی هم‌ایک مسعود بارزانی رهبری بالماناز خود را در این حوزه تثبیت کرده است. اقلیم کردستان که از یکسو در ارتباط با دولت مرکزی بغداد همیشه دچار اختلافات سیاسی، امنیتی و اقتصادی بوده است، از دیگر سو با توجه به تحولات منطقه سعی می‌کند تا گروه‌های کردی در منطقه را زیر چتر واحدی تحت رهبری خلسواده بارزانی متحد کند. از آنجا که کردهای ترکیه از جمعیت بسیار بیشتر حتی نسبت به مجموع تمام کردهای منطقه برخوردار بوده و اوجلان نیز رهبر کاریزماتیک آنان تلقی می‌شود یک رقابت درونی در بین گروه‌های قومی کرد وجود دارد که اردوغان به کمک بارزانی سعی در تشدید آن داشته است. مناسبات گسترده آنکارا با اربیل و به‌خصوص توافقات جدیدی که در حوزه نفت و گاز بین آنان انجام گرفته است از همین قاعده چندوجهی منفعت اقتصادی، اهداف سیاسی و جنبش‌های ژئوپلیتیک پیروی می‌کنند.

از زمان تشکیل منطقه خودمختار کردستان عراق بعد از جنگ اول خلیج‌فارس و سپس سقوط رژیم بعث «صدام‌حسین» با حمله آمریکا و متحدین آن در سال ۲۰۰۳میلادی که اقلیم کردستان جایگاه حقوقی تثبیت‌شده در نظام جدید فدرال عراق پیدا کرد، اختلاف سیاسی، اقتصادی، امنیتی، جمعیتی و سرزمینی بین اربیل و بغداد همواره وجود داشته است. از آنجا که اقلیم کردستان در جریان جنگ‌ها و دوره‌های بحران فرقه در عراق از وضعیت ثبات و تقریباً نیمه‌دموکراتیک برخوردار بود و روابط نزدیکی نیز با آمریکا و اتحادیه اروپایی داشت، راه

رسیدن کردهای ترکیه به حقوق مشروع خود اعلان کرده و نقش «کاریزماتیک» خود در بین کردهای منطقه را تثبیت کرد، تا حدودی رنگ خطر برای بلندپروازی‌های مسعود بارزانی و مدعی‌ی رهبری کردها توسط وی نیز به صدا درآمد. به همین دلیل سفر بارزانی در نیمه‌نوامبر به دیاربکر به دعوت اردوغان فراتر از اهداف اقتصادی تا حدود زیادی برای تحت‌الشعاع قراردادن موقعیت اوجلان و حزب دموکراتیک کردستان سوریه به رهبری «صالح مسله» که این روزها در شمال سوریه منطقه خودگردان محلی ایجاد کرده، بوده است.

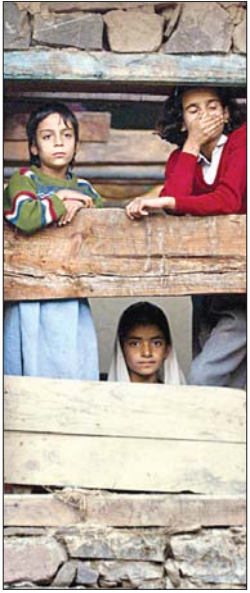
اهداف ترکیه در معامله نفتی با اقلیم کردستان:از طرف دیگر برای آنکارا نیز عقد قرارداد نفت و گاز با اقلیم کردستان تنها یک موضوع اقتصادی نبوده و به وضعیت ژئوپلیتیک و گسست‌های درونی در کشورهای دارای اقلیت کرد ارتباط تنگاتنگی پیدا خواهد کرد. به همین دلیل هر دو طرف معامله در آنکارا و اربیل هم‌زمان که منافع اقتصادی را دنبال می‌کنند، اهداف سیاسی و امنیتی خاص خود در فضای خاکستری منطقه حول گسست‌های ملی را هم در نظر خواهند داشت. این واقعیت برای ضلع سوم دعوی که دولت مرکزی عراق است نیز صدق‌ا داشته و رهبران بغداد هم استقلال کردها در عقد قراردادهای انرژی با ترکیه را نقض حاکمیت ملی خود قلمداد کرده و با استناد به موازین حقوق بین‌الملل هر دو طرف معامله را ناقض مفاد قانون اساسی و حق حاکمیت ملی خود می‌دانند. آنکارا هم‌ایک درگیر یک بحران سیاست خارجی در خصوص تحولات منطقه عربی است که بسیاری از معادلات اولیه آنان را بر هم زده و بعضی از متحان سال‌های اخیر ترکیه در دوقطبی محافظه‌کاری سنی- رادیکالیسم شیعی از جمله بیشتر کشورهای عرب حاشیه خلیج‌فارس البته به غیر از قطر را به سبب تحولات مصر از محور به رهبری آنکارا دور کرده است. این اختلاف و گسست در محور محافظه‌کاری ملی را هم در کنار اقلول اعتبار حزب عدالت و توسعه در افکار عمومی ترکیه و تعمیق مطالبات کردی در مناطق کردنشین ترکیه که در راس آن پ‌ک‌ک و اوجلان قرار دارند دو چالش عمده اقتصادی و سیاسی را برای حاکمان اسلامگرایی ترکیه به‌وجود آورده است. قرارداد نفت و گاز جدید بین آنکارا و اربیل حاصل یک بازی اقتصادی- سیاسی حول تثبیت جایگاه حزب عدالت و توسعه در ساخت درونی این کشور است. هر چند با واکنش تند مقامات دولت مرکزی عراق بلافاصله داووداوغلو و «اتر یلدیز» وزیر انرژی ترکیه وجود این قرارداد را تکذیب کرده، و بر حق حاکمیت ملی عراق تأکید کرده‌اند اما حضور بیش از ۳۰شرکت نفتی بین‌المللی در اقلیم کردستان و آخرین مورد آن عقد قرارداد با شرکت «اکسون‌موبیل» برای اکتشاف و استخراج نفت نشان می‌دهد که آقای بارزانی از رویاهای خود دست برنداشته است. هم‌اکنون حجم معاملات تجاری بین آنکارا و اربیل به بیش از ۱۲میلیارد دلار می‌رسد و تجارب سال‌های اخیر نشان می‌دهد که ترکیه از اقلیم کردستان به عنوان سر پل ورود به عراق و تثبیت خود به عنوان یکی از اصلی‌ترین شاهراه‌های حیاتی ترازیت نفت و گاز به اروپا استفاده می‌کند. عقد قراردادهای جدید نفت و گاز بین آنکارا و اقلیم کردستان حتی فراتر از مرزهای جغرافیایی عراق به کل منطقه اوپک هم ارتباط تنگاتنگی پیدا می‌کند و می‌تواند نظام‌همه‌په‌بندی‌اوپک را به زیان دیگر اعضای آن به هم زند. از آنجا که بسیاری از قراردادهای نفتی بین اقلیم کردستان با شرکای ترک و خارجی بدون اجازه بغداد انجام گرفته و مقاصد دولت مرکزی آن را به‌عنوان قاچاق نفت مطرح می‌کنند، بالطبع این سطح تولید به‌واسطه تحریم‌های نفتی بخش بزرگی از سهمیه خود را از دست داده‌اند، بهشت زیان خواهند کرد. با تمام این تفصیلات به نظر می‌رسد موضوع معاملات نفتی اقلیم کردستان با ترکیه در شرایط کنونی که فاقد نظم حقوقی در ساخت سیاسی عراق است، نه‌تنها به بغداد که به دیگر اعضای اوپک نیز ارتباط پیدا کرده و حتی در حوزه ژئوپلیتیک منطقه نیز یک وضعیت آنازشیک ایجاد خواهد کرد.

رسمین کردهای ترکیه به حقوق مشروع خود اعلان کرده و نقش «کاریزماتیک» خود در بین کردهای منطقه را تثبیت کرد، تا حدودی رنگ خطر برای بلندپروازی‌های مسعود بارزانی و مدعی‌ی رهبری کردها توسط وی نیز به صدا درآمد. به همین دلیل سفر بارزانی در نیمه‌نوامبر به دیاربکر به دعوت اردوغان فراتر از اهداف اقتصادی تا حدود زیادی برای تحت‌الشعاع قراردادن موقعیت اوجلان و حزب دموکراتیک کردستان سوریه به رهبری «صالح مسله» که این روزها در شمال سوریه منطقه خودگردان محلی ایجاد کرده، بوده است.

اهداف ترکیه در معامله نفتی با اقلیم کردستان:از طرف دیگر برای آنکارا نیز عقد قرارداد نفت و گاز با اقلیم کردستان تنها یک موضوع اقتصادی نبوده و به وضعیت ژئوپلیتیک و گسست‌های درونی در کشورهای دارای اقلیت کرد ارتباط تنگاتنگی پیدا خواهد کرد. به همین دلیل هر دو طرف معامله در آنکارا و اربیل هم‌زمان که منافع اقتصادی را دنبال می‌کنند، اهداف سیاسی و امنیتی خاص خود در فضای خاکستری منطقه حول گسست‌های ملی را هم در نظر خواهند داشت. این واقعیت برای ضلع سوم دعوی که دولت مرکزی عراق است نیز صدق‌ا داشته و رهبران بغداد هم استقلال کردها در عقد قراردادهای انرژی با ترکیه را نقض حاکمیت ملی خود قلمداد کرده و با استناد به موازین حقوق بین‌الملل هر دو طرف معامله را ناقض مفاد قانون اساسی و حق حاکمیت ملی خود می‌دانند. آنکارا هم‌ایک درگیر یک بحران سیاست خارجی در خصوص تحولات منطقه عربی است که بسیاری از معادلات اولیه آنان را بر هم زده و بعضی از متحان سال‌های اخیر ترکیه در دوقطبی محافظه‌کاری سنی- رادیکالیسم شیعی از جمله بیشتر کشورهای عرب حاشیه خلیج‌فارس البته به غیر از قطر را به سبب تحولات مصر از محور به رهبری آنکارا دور کرده است. این اختلاف و گسست در محور محافظه‌کاری ملی را هم در کنار اقلول اعتبار حزب عدالت و توسعه در افکار عمومی ترکیه و تعمیق مطالبات کردی در مناطق کردنشین ترکیه که در راس آن پ‌ک‌ک و اوجلان قرار دارند دو چالش عمده اقتصادی و سیاسی را برای حاکمان اسلامگرایی ترکیه به‌وجود آورده است. قرارداد نفت و گاز جدید بین آنکارا و اربیل حاصل یک بازی اقتصادی- سیاسی حول تثبیت جایگاه حزب عدالت و توسعه در ساخت درونی این کشور است. هر چند با واکنش تند مقامات دولت مرکزی عراق بلافاصله داووداوغلو و «اتر یلدیز» وزیر انرژی ترکیه وجود این قرارداد را تکذیب کرده، و بر حق حاکمیت ملی عراق تأکید کرده‌اند اما حضور بیش از ۳۰شرکت نفتی بین‌المللی در اقلیم کردستان و آخرین مورد آن عقد قرارداد با شرکت «اکسون‌موبیل» برای اکتشاف و استخراج نفت نشان می‌دهد که آقای بارزانی از رویاهای خود دست برنداشته است. هم‌اکنون حجم معاملات تجاری بین آنکارا و اربیل به بیش از ۱۲میلیارد دلار می‌رسد و تجارب سال‌های اخیر نشان می‌دهد که ترکیه از اقلیم کردستان به عنوان سر پل ورود به عراق و تثبیت خود به عنوان یکی از اصلی‌ترین شاهراه‌های حیاتی ترازیت نفت و گاز به اروپا استفاده می‌کند. عقد قراردادهای جدید نفت و گاز بین آنکارا و اقلیم کردستان حتی فراتر از مرزهای جغرافیایی عراق به کل منطقه اوپک هم ارتباط تنگاتنگی پیدا می‌کند و می‌تواند نظام‌همه‌په‌بندی‌اوپک را به زیان دیگر اعضای آن به هم زند. از آنجا که بسیاری از قراردادهای نفتی بین اقلیم کردستان با شرکای ترک و خارجی بدون اجازه بغداد انجام گرفته و مقاصد دولت مرکزی آن را به‌عنوان قاچاق نفت مطرح می‌کنند، بالطبع این سطح تولید به‌واسطه تحریم‌های نفتی بخش بزرگی از سهمیه خود را از دست داده‌اند، بهشت زیان خواهند کرد. با تمام این تفصیلات به نظر می‌رسد موضوع معاملات نفتی اقلیم کردستان با ترکیه در شرایط کنونی که فاقد نظم حقوقی در ساخت سیاسی عراق است، نه‌تنها به بغداد که به دیگر اعضای اوپک نیز ارتباط پیدا کرده و حتی در حوزه ژئوپلیتیک منطقه نیز یک وضعیت آنازشیک ایجاد خواهد کرد.

رسمین کردهای ترکیه به حقوق مشروع خود اعلان کرده و نقش «کاریزماتیک» خود در بین کردهای منطقه را تثبیت کرد، تا حدودی رنگ خطر برای بلندپروازی‌های مسعود بارزانی و مدعی‌ی رهبری کردها توسط وی نیز به صدا درآمد. به همین دلیل سفر بارزانی در نیمه‌نوامبر به دیاربکر به دعوت اردوغان فراتر از اهداف اقتصادی تا حدود زیادی برای تحت‌الشعاع قراردادن موقعیت اوجلان و حزب دموکراتیک کردستان سوریه به رهبری «صالح مسله» که این روزها در شمال سوریه منطقه خودگردان محلی ایجاد کرده، بوده است.

رسمین کردهای ترکیه به حقوق مشروع خود اعلان کرده و نقش «کاریزماتیک» خود در بین کردهای منطقه را تثبیت کرد، تا حدودی رنگ خطر برای بلندپروازی‌های مسعود بارزانی و مدعی‌ی رهبری کردها توسط وی نیز به صدا درآمد. به همین دلیل سفر بارزانی در نیمه‌نوامبر به دیاربکر به دعوت اردوغان فراتر از اهداف اقتصادی تا حدود زیادی برای تحت‌الشعاع قراردادن موقعیت اوجلان و حزب دموکراتیک کردستان سوریه به رهبری «صالح مسله» که این روزها در شمال سوریه منطقه خودگردان محلی ایجاد کرده، بوده است.



دریافت کلای دولتی از طریق کوپن از سال ۱۹۹۰ در این کشور مورد قرد شد. زیرا خانواده‌های معمولی قادر به خرید این کالاها با قیمت آزاد نیستند

کشور و اقلیم کردستان با یکدیگر ائتلاف می‌کنند و امنیت این کشور را به‌هم می‌زنند بنابراین رابطه دوستانه‌ای را با اقلیم برقرار کرد. ۳- اهداف اقتصادی الف- ترکیه در تقسیم درآمدهای میان بغداد و اربیل در سال ۲۰۱۲ به اوج خود رسید. اقلیم کردستان عراق در ماه آوریل این سال در پی پرداختنشدن بودجه ۱۵/۵میلیاردلاری از طرف دولت مرکزی، صادرات نفت از کردستان را قطع کرد. اکنون هم دولت نوری المالکی اعلام کرده است در صورت اجرای این قرارداد نفتی مبلغی نزدیک به ۱۰میلیارد دلار که به نظر آنان خسارت عمل‌نکردن به تعهدات اقلیم برای صدور نفت از طریق بغداد است را درخواست تا از سهم اربیل از بودجه کل عراق کسر خواهد کرد. به‌علاوه راه‌حل وفاق کالا را به اقلیم خواهد بست. بنا براین به نظر می‌رسد که اختلافات ب‌وجودآمده بیشتر بر سر تقسیم درآمد حاصل از فروش نفت‌گاز اقلیم کردستان است نه قرارداد نفتی با ترکیه. این در حالی است که دولت اقلیم معتقد است که طبق قانون اساسی عراق، نفت و گاز متعلق به تمام مردم این کشور در همه استان‌هاست و استان‌ها و اقلیم حق دارند نفت خود را تولید و صادر کنند و این امر را از اختیارات دولت محلی می‌دانند. در همین راستا کردها معتقد هستند که به‌طور تاریخی این منطقه متعلق به آنهاست پس باید تحت حاکمیت آنان باشد. سخن رفت که این قرارداد در واقع امضا شد که دولت معتقد است بر اساس قانون اساسی این کشور این نوع معاملات بین‌المللی را تنها دولت مرکزی عراق می‌تواند امضا کند نه دولت محلی. بنابراین آن را نقض قانون اساسی و تامایت ارضی عراق اعلام کرده است که باعث نگرانی دولت بغداد شده؛ دولتی که روابطش با ترکیه چندان دوستانه و مناسب ازبانی نمی‌شود. با تمام نگرانی‌های عراق و آمریکا از انعقاد قراردادهای نفتی اربیل - آنکارا، این توافقنامه به امضای اردوغان و بارزانی که روابط بسیار نزدیکی با یکدیگر دارند و در این راستا اهدافی را دنبال می‌دهند، رسید.

اهداف آنکارا از امضای این نوع قراردادها را می‌توان به سه گره تقسیم کرد: ۱- اهداف سیاسی: الف - حمایت از سنی‌های عراق و شکاف میان شیعه و سنی که در نهایت از دیدگاه عراق به تجزیه این کشور خواهد انجامید. ب- کاهش نفوذ ایران در اقلیم کردستان عراق ۲-اهداف امنیتی: کاهش نفوذ حزب کارگران کردستان با پ‌ک‌د در ترکیه و حل‌وفصل معضل مساله کردیسم. لازم به ذکر است که بعد از سقوط دولت صدام‌حسین، ترکیه احساس کرد که علت اینکه کردها نارضاتی این

جهان

فساد

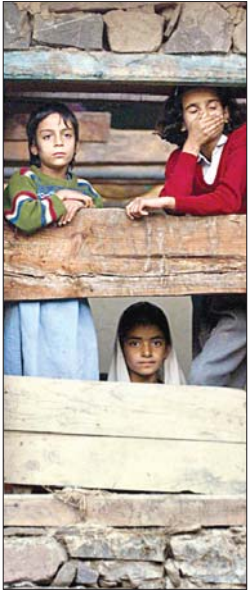
عامل فقر میلیون‌ها عراقی



عراق وضعیتی استثنایی دارد که مانند هیچ کشور دیگری نیست. اگر در سایر کشورها این حوادث طبیعی است که عامل گرسنگی و فقر به شمار می‌رود، در عراق این تنها عامل انسانی است که چنین وضعیتی را به وجود می‌آورد. یک تاجر عراقی به نام جاسم می‌گوید «بودجه سالانه کشور ما ۱۵۰میلیارد دلار است، اما در موضوع جهانی این کشور به‌عنوان یکی از کشورهای دارای اقلیت کرد ارتباط تنگاتنگی پیدا کرده‌شمالی یا کشورهای شاخ آفریقا با بحران غذایی مواجه هستند، معرفی می‌شود»

به‌گفته کارشناسان، درعراق حدود شش‌میلیون نفر از امنیت غذایی محروم هستند. در حالی‌که یک شهروند معمولی عراق ماهانه حقوقی برابر با ۳۰۰ دلار (۹۰۰هزار تومان) می‌گیرد، به گفته جواد السهیلی یکی از اعضای پارلمان این کشور بیش از دوهزار و ۵۰۰هشتر از نورچشمی‌های احزاب حاکم ماهانه بیش از پنج‌هزار دلار (۱۵میلیون تومان) حقوق می‌گیرند

مازان نعمة که یک کارشناس برنامه‌ریزی است می‌گوید آمارهای وزارت برنامه‌ریزی نشان می‌دهد میزان فقر در عراق به ۲۳درصد می‌رسد و بیشتر آنان در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند. یعنی مناطقی که اتفاقا بعد از سال ۲۰۰۳ یعنی اشغال عراق به دست آمریکا و سقوط صدام ساخته شده است. وی می‌افزاید: عراق از سال ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۲ بیش از ۳۶میلیارد دلار صرف برنامه غذایی دولتی‌اش کرده است. با این وصف یک شهروند عراقی تنها هر از چند گاهی یک یا دو مورد از کالاهای جیره‌بندی‌شده را از طریق کوپن دریافت می‌کند.



دریافت کلای دولتی از طریق کوپن از سال ۱۹۹۰ در این کشور مورد قرد شد. زیرا خانواده‌های معمولی قادر به خرید این کالاها با قیمت آزاد نیستند

مساله غذا در عراق یک مشکل اساسی است. زیرا ۲۳میلیون جمعیت این کشور باید بر اساس برنامه غذای سازمان ملل به‌صورت ماهانه در برابر پرداخت چهار دلار، برنج، آرد، شکر، چای، روغن، حبوبات، شیر خشک و مایون و مشتقات آن دریافت می‌کردند. گرچه این برنامه تا پیش از سال ۲۰۰۱ برقرار بود اما امروزه مردم تنها یک یا دو مورد از این کالاهای نه‌گانه را در دریافت می‌کنند. این‌درحالی است که هر از چندگاه یکبار برونده‌هایی درباره رسوایی «واردکردن چای و برنج و روغن فاسد و توزیع آن در بین شهروندان» این‌ها و انجام‌منشر می‌شود.

والری آموس، هماهنگ‌کننده امور انسانی سازمان ملل متحد هفته گذشته با مصور بیانیسه‌ای گفت دست‌کم هزارو ۹۰۰عراقی محروم از غذا هستند. این افراد جدا از چهارمیلیون عراقی دیگری است که به‌طور کلی از فقدان امنیت غذایی رنج می‌برند. به گفته این منبع یکی از چهار کودک عراقی به دلیل انقبص تغذیه، به نوعی دچار کاهش رشد جسمی یا ذهنی است.

معنای «ماریکانا»

صنعت پلاتین خصلت‌های اصلی اقتصاد سیاسی آفریقای جنوبی را نشان می‌دهد. ساختار صنعتی انحصاری، کنترل شدید شرکت‌های بزرگ و پذیرفتن‌شدن منافع سرمایه‌داران سیاه‌نوپولر، تحول استخراج پلاتین همچنین بازتابی از تأکید مملومی است که در اقتصاد پس‌آپارتاید بر صادرات کانی‌ها گذاشته شده، به‌جای آنکه اقدامات سودبخش محلی صورت گیرد، فعالیت‌های اقتصادی گسترش یابد و شغل‌های جدیدی ایجاد شود. دومین مساله‌ای که ماریکانا نشان می‌دهد این است که با گذشت دودهمه از اصلاح بازار کار نظام آپارتاید، نظام مبتنی بر کارگران مهاجر، که عمرش به یک قرن می‌رسد، هنوز به‌جای خود باقی است.

صنعت معدن از حیث وابستگی به کار ارزان به گذشته خود در نظام آپارتاید وفادار مانده است. انصباب کارگران لاتمین برای افزایش حقوقشان از چهارهزار رند به ۱۲هزارو ۵۰۰ رند در ماه بود، هرچند که این اعداد و ارقام محل مناقشه‌اند. میزان پرداخته‌ها پیچیده است، به‌ویژه از آنجا که حدود یک‌سوم کل کارگران معدن توسط دلال‌های کار استخدام می‌شوند. نیروی کار مهاجر اکثریت کارگران معدن را تشکیل می‌دهد، به‌ویژه کارگرانی که از استان کیپ شرقی آمده‌اند، اما علاوه بر آنها همچنین کارگرانی هستند که از کشورهای موزامبیک و لسوتو مهاجرت کرده‌اند. عنوان نمونه از ۵۲هزار نیروی کار شاغل در انگولاولاس در سال ۲۰۱۲، ۴۵هزارنفر آنان اهل آفریقای جنوبی بودند، سه‌هزارو ۶۷۲ نفر موزامبیکي، هزارو ۰۰۰نفرشان اهل لسوتو و ۸۰نفر هم اهل سوازیلند بودند. چرخه کار تنها در کریسمس و عید پاک به آنها حق مرخصی می‌دهد، همچنان که پیش از ۱۹۹۴ نیز چنین بود. نظام مبتنی بر نیروی کار مهاجر، که در پایان قرن نوزدهم توسط شرکت‌های معدنیی تضرع گرفت، به معنی ویرانی مناطق «کار-گر فرستی» است که ناگزیر از تکیه بر درآمد کارگران معدن می‌شوند. از ۱۹۹۰ به این‌سو که کیپ شرقی نیروی کار لازم را برای معادن طلای ویتواترزنرد فراهم می‌کرد، این منطقه یکی از فقیرترین بخش‌ها و همچنین یکی از مناطق عمده تأمین نیروی کار مهاجر باقی مانده است، به‌خصوص روستاهای کشور سابق ترانسکی که اکنون در استان کیپ شرقی آفریقای جنوبی ادغام شده از این جمله‌اند. شامری از معدنچیان کشته‌شده در ماریکانا اهل همین مناطق جنوبی بود یکی از ویژگی‌های نیروی کار مهاجر در نظام آپارتاید اقلامتگانه‌های معدنچیان بود که از کلیدی